

مهارت‌های رفتاری والدین با فرزندان

سیده مریم طباطبایی ندوشن*

اشاره

روانشناسان و جامعه‌شناسان «شیوهٔ ارتباط و رفتار والدین» را در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی فرزند موثر می‌دانند. روانشناسان؛ منشاء سلامت یا اختلالات روانی فرد و جامعه‌شناسان؛ ریشهٔ ناهنجاری‌ها و کجروی‌های اجتماعی را در کانون خانواده جستجو می‌کنند؛ چرا که سلامت و تعادل خانواده و در نهایت سلامت روانی و اجتماعی فرد، به کیفیت روابط درون خانوادگی و بویژه روابط والدین و فرزندان ارتباط دارد. نوشتار پیش‌رو، شیوه‌های تربیتی و رفتاری والدین را در قالب مهارت‌های رفتاری با فرزند تبیین می‌کند.

اهمیت نقش والدین در تربیت فرزند

کلمه «ام» که در قرآن و روایات، فراوان به کار رفته است، به معنای «ریشه و سرچشمه» است. در حقیقت مادر ریشه و سرچشمه وجود کودک است و کودک انعکاسی از واقعیات جسمی و روحی مادر است.^۱ اهمیت

* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و پژوهشگر حوزهٔ خانواده.

۱. حسین انصاریان، *نظام خانواده در اسلام*، ص ۴۳۳.

نقش مادر در شکل‌گیری شخصیت فرزند به اندازه‌ای است که امام خمینی علیه‌السلام می‌فرماید: «قرآن کریم انسان ساز است، و زن‌ها نیز انسان ساز»^۱ در جایی دیگر می‌فرماید: «دامن مادر بزرگترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود»^۲.

صاحب‌نظران علوم تربیتی عقیده دارند که پدر نیز نقش ویژه‌ای در تربیت فرزند دارد؛ چرا که کودکان تصویری اغراق‌آمیز از پدر دارند و او را بزرگ‌تر، قوی‌تر و دارای نیرویی مضاعف می‌پندارند. این تصورات و توقع‌ها مسئولیت‌های بزرگ و تعیین‌کننده‌ای بر عهده پدران می‌گذارد. نتایج برخی تحقیقات بیان‌گر آن است که یکی از عوامل ضعف خانواده‌های امروزی، کاهش نقش پدر در خانواده است. کودکانی که در غیبت پدر پرورش یافته‌اند، زمینه‌های بروز بزهکاری در آنان بیشتر است. فرزندان‌ی که پدران آنها به اندازه کافی در تربیتشان نقش داشته‌اند، دارای توانمندی بیشتری در حل مسائل، مهارت‌های کلامی و پیشرفت تحصیلی بوده‌اند.^۳

شیوه‌های رفتاری والدین با فرزندان

ارتباط با فرزند چندان ساده و آسان نیست. منظور از ارتباط، صرفاً سخن‌گفتن با او یا شنیدن سخن او نیست؛ چون سخن‌گفتن، همیشه نشانه ایجاد ارتباط نیست و چه بسا ارتباط یک‌سویه پدید آورد. مراد از ارتباط، ارتباط دوطرفه، مداوم، تأثیرگذار و نتیجه‌بخش است.

۱. سید روح‌الله خمینی، صحیفه‌امام، ج ۶، ص ۳۰۰

۲. همان، ج ۹، ص ۲۹۴

۳. پایگاه خبری - تخصصی روانشناسی و مشاوره WWW.MIGANA.ir

۱- شناخت دوران کودکی و نوجوانی

یکی از مهارت‌های مهم رفتار والدین با فرزند، شناخت ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی است؛ زیرا برخی والدین نمی‌دانند که با فرزندان در دوران کودکی یا نوجوانی چگونه رفتار نمایند. حدیث مشهور نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ناظر به شناخت مراحل تربیت فرزند و چگونگی رفتار با فرزندان است: «الْوَلَدُ سَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَرِيْزٌ سَبْعَ سِنِينَ»^۱ کودک تا ۷ سال سرور، تا ۷ سال بنده، و تا ۷ سال وزیر است. این روایت که جامع‌ترین روایت درباره تربیت فرزند است، تلفیقی از ویژگی‌های روانشناختی فرزند در مراحل رشد و وظیفه والدین در درک این ویژگی‌ها ارائه نموده است.

در یک پروژه تحقیقاتی توسط دانشگاه کالیفرنیا، آمریکا، ۶۰۰ بزرگسال مورد پیمایش و مطالعه قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد، «هرچقدر که، ابراز احساسات عاطفی همچون در آغوش گرفتن، در کودکی آنها بیشتر بوده است، مشاهدات بزرگسالی آنها نشان می‌دهد که اضطراب و استرس به شدت پایین‌تری و همین‌طور سلامت روانی بالاتری داشتند، همچنین بر این موضوع تأکید شد که وجود احساسات عاطفی کمتر باعث می‌شود که بعضی از آنها در بزرگسالی دچار بیماری‌های روانی و ذهنی، خشونت و دارای تعاملات اجتماعی ضعیف باشند و نگاه بدبینانه در ارتباطات خود با دیگران داشته باشند»^۲

بنابراین در دوران کودکی مطلوب است والدین با فرزندان بازی کنند، زیرا بازی با کودک اهمیت زیادی در پرورش شخصیت او دارد. نتایج

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم/الاخلاق، ص ۲۲۲.

۲. سایت تخصصی و حرفه‌ای روانشناسی گروه کاوش WWW.The KAVOSH GROUP

تحقیقات متعدد نشان می‌دهد کودکانی که از همراهی پدر در بازی و تفریح و سرگرمی برخوردار بوده‌اند، علاوه بر داشتن روابط عمیق‌تری با دوستان، دارای خودکنترلی و مهارت بیشتر در بیان هیجان خود و تشخیص احساسات بوده‌اند.^۱

همچنین یکی از ویژگی‌های دوران نوجوانی، بلوغ است. اکثر والدین تا زمانی که فرزندان، چه دختر و چه پسر به سن بلوغ نرسیده‌اند، با مشکل خاصی مواجه نمی‌شوند، اما زمانی که فرزندان وارد دوران بلوغ می‌شود، مشکلات شان آغاز می‌شود. اکثر والدین به این دلیل که برای رفتار صحیح با فرزندان در سن بلوغ آموزش ندیده‌اند، سعی دارند با فرزندان با همان حال و هوای کودکی رفتار کنند، و حال اینکه فرزندان در این سن، سعی در پیدا کردن شخصیت و هویت خود دارند و می‌خواهند تصمیمات زندگیشان را خودشان بگیرند، به همین دلیل سرکشی و مخالفت مکرر آنان با پدر و مادرشان در دوران بلوغ به چشم می‌خورد. والدین باید بدانند که نوجوانان در سن بلوغ گرایش به استقلال دارند و دست به هر کاری می‌زنند تا این حس را به دیگران منتقل کنند، همین امر ممکن است سبب دور شدن نوجوانان از والدینشان شود. والدین در این شرایط باید به فرزند خود در حد معقول اجازه دهند که احساس استقلال کند.

۲- احترام والدین به یکدیگر

ارتباط والدین با یکدیگر، صمیمیت و احترامی که بر این رابطه حکم فرماست، اصلی‌ترین محور تأمین‌کننده سلامت روانی فرزند بویژه

۱. پایگاه خبری تحلیلی روانشناسی و مشاوره WWW.MIGANA.ir

در دوران کودکی است. ستیزها و برخوردهای خشن والدین نسبت به یکدیگر در حضور فرزندان (در هر سطحی)، نتایج مخربی بر فرزندان دارد. در تحقیقات متعدد، تاثیر عدم تفاهم و دعوای والدین در گوشه‌گیری، افسردگی، پرخاشگری و عدم اعتماد به نفس فرزندان بویژه کودکان ثابت شده است.^۱ اختلافات دائمی و دعوای والدین در حضور فرزندان، سطح سازگاری آنها را در ارتباطات اجتماعی کاهش می‌دهد و روحیه قدرشناسی را در فرزند تضعیف می‌کند. این مسئله به خودی خود تأثیرات ناسالمی بر ابعاد مختلف رشد و تکامل فرزندان به‌ویژه رشد شخصیتی دارد. ضمن آنکه روابط والدین با یکدیگر، به عنوان کلاس درسی است که مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های رفتاری با همسر را به او آموزش می‌دهد.

۳- تفاهم والدین در شیوه رفتار و تربیت فرزند

بی‌تردید آن اندازه که هماهنگی و تفاهم والدین در تنبیه، تشویق و تربیت اهمیت دارد؛ نحوه تنبیه و تشویق چه باشد، اهمیت ندارد. آسیبی که فرزندان از ناهماهنگی والدین می‌بینند معمولاً بیشتر از آسیبی است که ممکن است از روش غلط تربیتی یکی از والدین ببینند. به خاطر فوایدی که هماهنگی والدین برای تربیت فرزند و ارتباطش با والدین دارد، بهتر است والدین درباره شیوه صحیح تربیت فرزند به تفاهم برسند؛ زیرا عدم تفاهم والدین بر سر موضوعات و شیوه‌های تربیتی فرزند، اقتدار آنها را در برابر فرزند، خدشه‌دار می‌کند و فرزند نسبت به حقانیت و منطقی

۱. ابوالقاسم رئیسی، «نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۱، ص ۱۰۶.

بودن توصیه‌های پدر و مادر دچار تردید می‌شود.

۴- صبر والدین در رفتار با فرزند

سعه صدر یکی از مهمترین ارزش‌های اخلاقی است که والدین باید به آن آراسته باشند. در بعضی موارد نظیر بازی‌ها و شیطنت‌های فرزند در صورتی که به خود و دیگران آسیب نمی‌زند، دعوای خواهر و برادر، یادگیری درسی فرزندان، داشتن فرزندان معلول جسمی و ذهنی، فرزندان که به نوعی دچار اختلال رفتاری و روانی شده‌اند، لازم است والدین، سعه صدر بیشتری داشته باشند. اگر والدین بدانند که در بسیاری از چالش‌های ایجاد شده توسط فرزندان نظیر بازی‌ها، کنجکاو‌ی‌ها و حتی دعوای فرزندان با یکدیگر، درس زندگی وجود دارد، سعه صدر بیشتری از خود نشان خواهند داد. در زمان نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعدادی از مادران به حضرت مراجعه کرده و از شیطنت فرزندان خود به ایشان شکایت می‌کردند. حضرت به این مادران فرمودند: «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»؛ شیطنت و لجاج و ستیزه‌جوئی کودک، در دوران خردسالی او، نمایان‌گر فزونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.

همچنین امام موسی کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ»؛^۲ چه خوب است که فرزند در خردسالی بازیگوش و پرتلاطم باشد؛ این رفتار نشانه حلم و خویش‌داری او در بزرگسالی است. صبر والدین در برابر اقتضات سنی فرزندان، ضمن آنکه موجب پرهیز از خشونت می‌شود، توانمندی فرزندان را در حل مسائل آینده به

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج‌الفصاحه، ص ۵۶۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۳۶۱.

دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال در چالش‌ها و دعوای بین خواهر و برادر، آنها دفاع از خود را یاد می‌گیرند و قدرت حل مسئله را پیدا می‌کنند.

۵- حفظ اقتدار در ارتباط با فرزند

تحقیقات زیادی درباره سبک‌های فرزندپروری صورت گرفته و بین سه سبک «سهل گیرانه»، «مستبدانه» و «اقتدارگرا»، بهترین و موفق‌ترین سبک «اقتدارگرا» معرفی شده است. سبکی که تاثیر آن در ایجاد ویژگی‌های مثبت در فرزند ثابت شده است و در میان روش‌های فرزندپروری مطرح شده. در روانشناسی، فرزندپروری «مقتدرانه» نزدیک‌ترین روش تربیتی به روش «اسلام» است؛ زیرا والدین مقتدر با فرزندان خود با رفتار صمیمی و با ابراز محبت به آنان، رابطه خود را با آنها مستحکم می‌کنند و از جهت کنترل رفتاری، محدودیت‌های واضح و مناسب با سن فرزندان وضع می‌کنند.^۱ والدین مقتدر، هرچند در تعاملات خود با فرزندان گرم هستند؛ با این حال هنگامی که موقعیت اقتضا می‌کند از بازخواست و تنبیه هم به صورت ملایم استفاده می‌کنند. آنها در زمان اشتباهات فرزندان به آنها اجازه می‌دهند دلایل خود را ارائه دهند و در این خصوص قضاوت زود هنگام نمی‌کنند. در این خانواده‌ها، فرزندان بدون نگرانی راجع به مسایل خود با والدین گفتگو می‌کنند و والدین به جای نصیحت و سرزنش فرزندان از طریق گفتگو به اصلاح رفتار آنان می‌پردازند. در خانواده‌هایی که والدین، مقتدر هستند معمولاً افراط و تفریط وجود

۱. اعظم پرچم، مریم‌السادات فاتحی‌زاده و اله‌یاری حمیده، «مقایسه سبک‌های فرزندپروری با مریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام» نشریه: پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، از ص ۱۱۵ تا ص ۱۳۸.

ندارد، یعنی نه در محبت کردن افراط می‌کنند و نه در اعمال قوانین. این نوع خانواده‌ها پشتیبان عاطفی قوی‌ای برای کودک به حساب می‌آیند. این والدین از این که فرزندانشان برخی از مسائل را بهتر از آنان بشناسند، احساس رضایت می‌کنند؛ درباره مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با فرزندانشان گفتگو می‌کنند. وقتی فرزندان نمرات خوبی می‌گیرند و موفقیتی به دست می‌آورند به آنان پاداش و آزادی بیشتری می‌دهند و اگر نمرات پایین بگیرند با تشویق آنان به فعالیت بیشتر، آنها را کمک می‌کنند و آزادی آنان را محدودتر می‌کنند.^۱

۶. برقراری ارتباط منطقی با فرزندان جوان

جوان، بخش عمده‌ای از بحران‌ها و مشکلات نوجوانی و بلوغ را پشت سر گذاشته و آماده مقابله با یک‌سری از مشکلات ویژه جوانی است که ممکن است در این دوران نیز با خانواده خود در هر کدام از حوزه‌های تصمیم‌گیری دچار یک‌سری از مشکلات شود. بسیاری از خانواده‌ها در حل مشکلات جوان، قهر، طرد کردن، کنترل بیش از حد که از دوران کودکی او استفاده می‌کردند، بکار می‌برند؛ در حالی که در این سنین استفاده از دلیل و استدلال کارساز است. در این سن، جوان از صحبت و بحث درباره هدف‌های زندگی با والدین خود، لذت می‌برد و به توصیه‌ها و نصایح والدین بهتر گوش می‌دهد. باید توجه داشت که نصیحت هر فردی در حضور دیگران، به مثابه سرزنش برای نصیحت‌شونده است و به شخصیت او لطمه می‌زند. خیرخواهی و نصیحت والدین به فرزند در هر سنی باید در خفا انجام شود و حتی در حضور خواهر و برادر نباشد. امام

۱. تقی ابوطالبی احمدی، «رابطه سبک فرزندپروری با سلامت روانی دانش آموزان» فصلنامه خانواده و پژوهش، ص ۷۱-۸۹.

حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ»؛^۱ هر کس برادر (دینی) خود را پنهانی نصیحت کند، او را آراسته و اگر آشکارا نصیحتش نماید ارزش او را کاسته است.

۷. احترام به فرزندان

یکی از خواهش‌های طبیعی نوجوانان، این است که مانند بزرگسالان به شخصیت‌شان احترام شود. نوجوانان انتظار دارند که پدران و مادران و هم‌چنین بستگان با آنان، مانند بزرگسالان برخورد نمایند.^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ»؛^۳ فرزندان خود را احترام نمایید و آنان را نیکو تربیت کنید. خداوند شما را خواهد آمرزید. امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «أَجْمِلْ مُعَاشِرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ»؛^۴ برخورد و معاشرت خود را با کوچک و بزرگ، زیبا گردان.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی می‌گوید: من خود شاهد بودم که میرزای شیرازی چگونه با فرزند نوجوان خود با کمال ادب رفتار می‌کرد. يك بار که در خدمت ایشان بودم، پیش خدمت میرزا آمد و برای فرزند آقا اجازه ورود گرفت و میرزا اجازه داد. در این هنگام فرزند خردسال ایشان داخل شد و پس از سلام ایستاد. میرزا اجازه نشستن داد و فرزند در نهایت ادب به صورت دو زانو نشست و چشم خویش را به زمین دوخت. میرزای شیرازی به پرسش از حال و درس کودک خویش پرداخت و در طی

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول ص ۴۸۹

۲. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۷

گفت‌وگو، فرزندش را جز با کلمه آقا خطاب نمی‌کرد. پس از مدتی فرزند اجازه رفتن خواست. پدر اجازه داد و به احترام او کمی از جای خود برخاست.^۱

۸. نظارت بر رفتار فرزند

یکی از مهارت‌های مهم نظارت والدین، پیشگیری از افزایش انحرافات و نظارت بیشتر بر رفتار آنهاست. متأسفانه، در خانواده‌های امروزی، خانواده‌ها صرفاً نقش حمایتی پیدا کرده و نقش‌های هدایتی و نظارتی خود را کمتر ایفا می‌کنند. همین امر، موجب بروز آسیب‌هایی در خانواده مانند عادی‌شدن روابط دختر و پسر و افزایش آمار اعتیاد جوانان مجرد شده است.

عروس امام خمینی می‌گوید: «امام بعد از سن تکلیف بچه‌ها، بیشتر دقتشان در تعلیم و تربیت آنها بود. همیشه از ما می‌پرسیدند: آیا شما می‌دانید بچه‌تان کی از خانه بیرون می‌رود و کی می‌آید؟ با چه کسانی رفت و آمد می‌کند و یا چه صحبت‌هایی می‌کند؟»^۲

متأسفانه، امروزه برخی پدر و مادرها به بهانه این‌که فرزندان‌شان بزرگ شده‌اند، مراقب آنان نیستند. اینان پدر و مادری هستند که تا وقتی فرزندشان مرتکب جرمی نگردیده، نمی‌دانند او کجا است و چه کار می‌کند! این در حالی است که امروزه فرزندان ما، بیشتر از هر زمانی نیاز به مراقبت دارند؛ زیرا زمینه ناهنجاری‌ها افزایش یافته و تهاجم فرهنگی، جوانان ما را تهدید می‌نماید.

1. <https://hawzah.net/fa/LifeStyle/View/49553>

۲. میررضا ستوده، پایه‌پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۹۱.

۹. تقویت باورهای دینی

تقویت باورهای دینی فرزندان از اهمیت فراوانی برخوردار است. باورهای دینی، تعهد جوانان و نوجوانان را به دین بیشتر می‌کند. امام علی علیه السلام دربارهٔ بازدارندگی دین از انجام کارهای ناشایست می‌فرماید: «الَّذِينَ يُعْصِمُونَ»^۱؛ دین، از لغزش باز می‌دارد.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که گروه‌های مذهبی، کمتر دچار بحران‌هایی مانند بحران هویت می‌شوند؛ زیرا دین، میل کمال‌جویی و خیرخواهی افراد را اشباع می‌کند و این امر، به کاهش بسیاری از انحراف‌های اجتماعی و اخلاقی منجر می‌گردد.

به دلیل تاثیرگذاری اعتقادات در رفتار انسان است که امروزه دشمنان قبل از هر چیز عقاید جوانان را نشانه رفته است، این امر در قالب فیلم، کتاب و شبکه‌های مجازی... نمود پیدا می‌کند، چنانچه سازندگان بازی‌های رایانه‌ای در بازی‌هایی با سبک آخرالزمان دینی، اغلب مقرر حضور دشمنان نابودکننده جهان را، مسجد و یا محل‌هایی که نمادهایی اسلامی در آن به کار رفته، انتخاب می‌کنند و فرد منجی (عمدتاً سربازانی از ارتش آمریکا و انگلیس به عنوان پلیس صلح جهانی) پس از مبارزه با اهریمنان یا تروریست‌ها (اغلب مسلمان هستند)، پس از نجات دنیا، جشن پیروزی را در مکان‌هایی با طرح و شکل کلیسا می‌گیرد. چنین بازی‌هایی «این مفهوم را به ذهن کاربر منتقل می‌کند که مسیحیان، عامل آرامش صلح و مودت و اسلام، عامل خشونت و .. است.»^۲ شاید بر این اساس باشد که درقرآن

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، *غرر الحکم و درر الحکم*، ص ۸۶

۲. ن.ک. به: ابراهیم برزگر، محسن لعل‌علیزاده، «جنگ نرم، بازی‌های رایانه‌ای اسلام

ستیز و پدافند غیرعامل»، نشریه: مطالعات قدرت نرم، ص ۱۱۰.

و روایات مسایل عقایدی مورد توجه قرار گرفته است، زیرا عقاید زیرساخت مسایل دیگر اعم از اخلاق و احکام است. از این رو است که لقمان فرزندش را به توحیدباوری فرا خواند: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۱ (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد- گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.

متأسفانه در عصر حاضر، برخی والدین، به تعلیم آموزه‌های دینی فرزندان خویش اهمیت نمی‌دهند و برای یادگیری مهارت‌های مختلف زندگی مادی برای کودکان و نوجوانان خویش هزینه بسیاری می‌کنند، اما نسبت به نهادینه‌سازی معارف دینی و معنوی آنان، کم‌توجه یا بی‌تفاوت‌اند.

۱۰. دیگر مهارت‌ها

* وقت‌شناسی برای صحبت با نوجوان

اگر والدین زمانی که نوجوان، حوصله و وقت کافی دارد با او صحبت کنند، بهتر نتیجه می‌گیرند. اگر وقتی نوجوان خود را برای رفتن به میهمانی دوستش آماده می‌کند، به او بگویند می‌خواهم با تو صحبت کنم، نتیجه دلخواه حاصل نخواهد شد. علاوه بر آن، تا زمانی که احساس می‌کنید که نوجوان مشتاق شنیدن صحبت‌های شماست، موضوعات مختلف و رویدادهای زندگی‌تان را برای او مطرح کنید.

* نظر نوجوان را بی‌ارزش ندانید

شاید نوجوان حرفی بزند که به نظر والدین احمقانه و کودکانه باشد. اگر این امر را مستقیماً به او بگویید، ناراحت می‌شود و کمتر صحبت می‌کند.

۱ لقمان: آیه ۱۳ ر ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۸.

در برخی موارد که نظر او را قبول ندارید، آن را مطرح نکنید؛ زیرا نوجوان در این مقطع به تایید نیاز دارد.

* شنونده فعال بودن

گوش کردن به صحبت‌های نوجوان بیش از صحبت کردن اهمیت دارد. زیرا نوجوان احساس می‌کند او را درک می‌کنید. بکوشید حداقل روزی ۲۰ دقیقه شنونده صحبت‌های او باشید. با روی باز روبه‌روی او بنشینید، در چشم‌هایش نگاه کنید و صحبت‌هایش را تکرار کنید. برای مثال فرزندان می‌گویند: من، امروز تکالیف زیادی دارم در جواب بگویید: پس امروز حسابی سرت شلوغ‌ه؟ او می‌گوید: امروز معلمم جلوی همه دانش‌آموزان با من دعوا کرد. در جواب بگویید: پس امروز از این که معلمت باهات دعوا کرد، ناراحت شدی؟ گوش کردن فعالانه چیزی فراتر از کلمات است. شما غم، شادی، رنجش یا ناراحتی فرزندان را باید از پس کلمات و تعابیر او با تمام وجود حس کنید تا بتوانید خود را در موقعیت او قرار دهید. به او فرصت دهید صحبت کند. با عجله حرفش را قطع نکنید.